

بسم الله الرحمن الرحيم

روحانیت به مثابه یک منبع پیام برای مخاطبان جوان
(رویکردی آسیب شناختی به تعامل روحانیت با نسل جوان)

سید حسین شرف الدین^۱

چکیده: روحانیت به عنوان عالمان، مفسران، معلمان، مبلغان و مدافعان دین و شریعت، همواره یکی از متولیان و کارگزاران برجسته فرهنگی و شاید تاثیرگذارترین عامل در شکل گیری و تغییر فرهنگ عمومی در جامعه دینی بشمار آمده اند. این موقعیت محوری که به تبع جایگاه فرانهادی دین و الزامات قهری ناشی از آن در اختیار روحانیت قرار گرفته، ایشان را در کانون توجه و محور تقاطع همه گروهها و اقشار جامعه قرار داده و به مرور زمان خطوط ارتباطی متقابل متنوعی را میان ایشان و عموم توده ها زمینه سازی کرده است. به زبان ارتباط شناختی عنوان «منبع پیام» برای روحانیت و عنوان «مخاطب» برای سایر اقشار، جامع ترین تعبیری است که موقعیت ایندو را در فرایندهای ارتباطی چند لایه فیمابین پوشش می دهد. نسل جوان از جمله مخاطبان و گروههای هدفی است که به دلایل کاملاً آشکار، جایگاه منحصر بفردی را در شبکه ارتباطات توده ای روحانیت به خود اختصاص داده است. این نوشتار درصدد است تا از موضعی انتقادی و خرده گیرانه، این چرخه ارتباطی را در وضعیت موجود آن، مورد واکاوی و تحلیل قرار داده و در خصوص یک واقعیت اثباتی و محقق، ارزیابی نظری کند.

مفاهیم کلید: روحانیت، جوان، پیام، ارتباط، مخاطب، کانال ارتباطی، کارکرد، آسیب

^۱ - عضو هیات علمی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره

مقدمه

در تاریخ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور ما روحانیت اصیل به دلیل انتساب به دین و برخوردار بودن از پشتوانه های قدسی، همنوایی تعهدمندان با توده ها، مسوولیت شناسی و نقش آفرینی اجتماعی - تاریخی و مقبولیت اجتماعی همواره از جایگاه و موقعیت معنوی برتر و نفوذ فراگیر در مقایسه با سایر اقشار برخوردار بوده است. این موقعیت برجسته و اقتدار کریمانه، امکان برقراری ارتباطات گسترده افقی و عمودی با همه گروهها و اقشار اجتماعی را هر چند با نسبت های مختلف برای او فراهم آورده است. از تب و تاب های موضعی تاریخ که بگذریم، این سلطه معنوی و اقتدار ارزشی همواره بخش از واقعیت اجتماعی و فرهنگی ما بوده است. این موقعیت دردوره بعد از انقلاب اسلامی بدلیل وقوع تحولات بنیادین و گسترده، ارتقا جایگاه نهادی دین، استقبال شایان توده ها از باورها و ارزشهای دینی، ظرفیت سازیهای ساختاری، فرصت آفرینی های اجتماعی و... دستخوش تغییرات اساسی شد و روحانیت را در وضعیتی بسیار استثنایی و بی نظیر به یکی از کارگزاران فعال و متنفذ اجتماعی تبدیل نمود. لازمه قهری این فرصت تاریخی، درگیر شدن در عرصه ها و میدانهای مختلف اجتماعی و تن دادن به نقش ها و مسوولیت ها متعدد به تناسب ضرورت های ناشی از انقلاب و انتظارات جمعی بود. به بیان جامعه شناختی، این تحول موقعیتی، به توسعه قلمرو کنش، تکثر نقش ها، تنوع خطوط تماس، تعریض باند ارتباطی، تعدد طرف های ارتباط و تغییر کمی و کیفی انتظارات منجر شد. دین نیز اگر تا دیروز حداکثر به مثابه یک نهاد اجتماعی در عرض سایر نهادها در مدیریت و راهبری کلان جامعه نقش آفرینی می کرد، در بعد از انقلاب بدلیل یافتن موقعیت فرانهادی؛ ظرفیت های ساختاری بی بدیلی برای حضور روحانیت در عرصه های مدیریتی و اجرایی فراهم آورد. نتیجه طبیعی همه این تحولات میمون، بسط، تنوع و تعمیق خطوط ارتباطی متقابل روحانیت با همه اقشار و گروههای اجتماعی است.

یکی از گروههای هدف در فرایند تعاملات اجتماعی روحانیت که اتفاقاً بدلیل ظرفیت بالای فرهنگ پذیری، کاستی های اطلاعاتی، خلاء های معرفتی، مطالبات روحی و معنوی، ثبات نیافتگی شخصیتی، تذبذب های هویتی، الگو پذیری، اشتباهی فراگیری، تعیین ناپایی موقعیتی، آسیب پذیری زیاد، و در معرض توطئه های رنگارنگ فرهنگی دشمنان قرار داشتن؛ بیش از سایر اقشار مورد توجه

همایش ملی مناسبات روحانیت و نسل جوان مهرماه ۱۳۸۸ (مجموعه مقالات علمی)، از صفحه ۱۲۹ تا ۱۶۱

و مطمع عنایت روحانیت متعهد و نهادها و سازمانهای فرهنگی و تربیتی نظام اسلامی بوده و از کانالها و مجاری متعدد، مستقیم و غیر مستقیم در معرض پیام های هدایتی و ارشادی مختلف قرار گرفته، قشر جوان و نوجوان جامعه است. تردیدی نیست که قشر جوان نیز همچون سایر اقشار، به یمن وقوع تحولات بنیادین در ایران بعد از انقلاب و ایجاد شرایط مناسب فرهنگی، در یکی از بهترین مقاطع تاریخی (در مقایسه با قبل از انقلاب) و در فضایی استثنایی آکنده از زمینه ها و ظرفیت های رشد و تعالی معنوی (در مقایسه با بسیاری از کشورها) برخوردار است. وجود خیل عظیم جوانان مومن، مخلص، صادق، متعهد و پرشوری که در عرصه های مختلف بویژه در دفاع مقدس، حماسه های جاویدان آفریدند و به تعبیر برخی بزرگان راه صدساله را یک شبه پیمودند، شواهد گویایی بر وجود ظرفیت های بالای کشور برای تعالی و تکامل معنوی و ارزشی است.

با الهام از یکی از ساده ترین مدل های ارتباطی در نظام ارتباط شناسی رسانه ای به توضیح این چرخه ارتباطی می پردازیم. یک مدل ارتباطی متضمن عناصر و مولفه های بنیادینی است که در همه اشکال ارتباطی اعم از ساده و پیچیده مدخلیت دارند. اهم این عناصر عبارتند از: فرستنده یا منبع، گیرنده یا مخاطب، پیام یا مضمون، نماد یا محمل پیام (= کلام، صوت، تصویر، اشاره، علامت و نشانه)، کانال یا مجرای ارتباط، ظرف زمانی و مکانی وقوع ارتباط. (ر.ک: محسنیان راد، ۱۳۸۴: ۳۱۵-۳۵۹)

از این عناصر رکنی که بگذریم هر فرایند یا شبکه ارتباطی به طور طبیعی از مجموعه وسیعی از عوامل شناخته شده و ناشناخته محیطی و پیرامونی نیز تاثیر می پذیرد. در این مدل ارتباطی، روحانیت به عنوان فرستنده یا منبع پیام، و جوان یا قشر جوان به عنوان گیرنده، دریافت کننده، مخاطب یا طرف ارتباط ملاحظه شده است. پیام های مورد مبادله به تناسب موضوع به فرهنگی، مذهبی، تربیتی، اخلاقی و احیانا سیاسی تقسیم پذیرند. قالب رسانه ای پیام در این چرخه عمدتاً نوشتار، گفتار، صوت (مداحی و مرثیه)، عناصر فرازبانی، احیانا برنامه های تصویری و رسانه ای و در شکل عام رفتار، منش، سبک زندگی و نوع تعامل شخص روحانی در ارتباط با مخاطب جوان است. ظرف زمانی شامل عرصه ها و روندهای معمول و غیر معمول زندگی روزمره، مناسبات تقویمی و خاطرات تاریخی است و ظرف مکانی مسجد، حسینیه، مدرسه، دانشگاه، اداره، تلویزیون، ورزشگاه، بازار، خیابان و

همه اماکنی که بدلیل حضور روحانیت و قشر جوان، تعامل فکری، عاطفی و رفتاری میان آنها غالباً به صورت دو سویه و گاه یک سویه میسر و محقق می گردد. روحانی در این فرایندهای ارتباطی با عناوین خاصی متناسب با موقعیت ارتباطی خود نام گذاری می شود: مبلغ، مربی، واعظ، خطیب، مدرس، مولف، امام جماعت، قاضی، بازیگر و...

تردیدی نیست که در هر فرایند ارتباطی وجود مجموعه ای از عوامل در اصل ایجاد، حفظ و استمرار ارتباط، تنوع صور ارتباطی، تعمیق و تعریض ارتباط، و به طور کلی کمیت و کیفیت ارتباط موثرند. متقابلاً فقدان برخی عوامل یا وجود موانعی می تواند چرخه ارتباطی را در کل یا در سطوحی مختل ساخته و به پدیده ای کم کارکرد، بی کارکرد و احیاناً گژکارکرد تبدیل نماید. عوامل یا موانع اخلاکگر در فرایند ارتباطی را اصطلاحاً «پارازیت های ارتباطی» نام نهاده اند. (اسولیوان و دیگران، ۱۳۸۵:۲۷۳) لازم به ذکر است که هر یک از عناصر تشکیل دهنده مدل فوق، پارازیت ها، و آسیب های خاص خود را دارد. از این رو، برخی از عوامل اخلاک یا موانع به روحانیت به عنوان فرستنده، بخشی به قشر جوان به عنوان مخاطب و گیرنده، پاره ای به اصل پیام، برخی به محمل های حاوی پیام (نمادها)، بخشی به رسانه یا مجرای ارتباط، برخی به شرایط زمانی و مکانی و برخی نیز به سایر عوامل پیرامونی موثر در فرایند ارتباطی، مربوط می شوند. ما در این نوشتار به دلیل ضیق مجال، صرفاً به برخی از این عوامل اخلاک ورود خواهیم کرد.

روحانیت به تبع جایگاه برجسته و کانونی خود، نقش های متنوعی را عهده دار شده و انتظارات مختلفی را برانگیخته است. این نقش ها عمدتاً ماهیت تبلیغی و ترویجی داشته و در چارچوب رسالت کلان فرهنگی - مذهبی روحانیت توجیه پذیر می باشد. مجموع نقش های محول روحانیت در کلیت جامعه را می توان در ضرورت های کارکردی ذیل خلاصه نمود: معرفت بخشی، فرهنگ سازی (تأثیر گذاری در حوزه باورها، ارزشها، هنجارها، خلق و خواها، انگیزه ها، نگرش ها، ایدئولوژیها، اطلاعات و رفتارها)، هدایت گری، الگو دهی، هویت بخشی، نظارت و مراقبت، توصیه و تذکار، انحراف زدایی و خرافه ستیزی، بسیج توده ها در جهت اهداف مقصود. البته روحانیت در بعد از انقلاب به ایفای برخی نقش های مدنی، خدماتی و مدیریتی دیگری نیز توفیق یافت که با واسطه و غیر مستقیم به شان و رسالت تبلیغی آنها رجاع می یابد. عنوان انتخابی «منبع پیام» جامع ترین تعبیری است

که تقریباً همه نقش‌ها و وظایف روحانیت را در برمی‌گیرد. بدیهی است که روحانیت به عنوان «منبع پیام» نیازمند برخورداری از توان ارتباطی لازم جهت ایفای نقش محول خواهد بود. داشتن توان ارتباطی لازم، خود معلول برخورداری منبع از طیف گسترده‌ای از قابلیت و جذابیت‌های فیزیکی، روانی، علمی، اخلاقی، مهارتی، زبانی و پیرایه‌بانی است که باید برای تامین و تدارک آن اقدامات مقتضی صورت پذیرد.

نسل جوان نیز به عنوان مخاطب در فرایند ارتباطی مذکور، ویژگی‌هایی دارد که به برخی از آنها به اجمال اشاره می‌شود. در محاورات روان‌شناختی غالباً مقطع سنی ۱۳-۱۸ سالگی را دوره نوجوانی و مقطع سنی ۱۹-۲۸ را دوره جوانی تلقی می‌کنند. برخی نیز بدون تفکیک این دو مقطع، دوره سنی ۱۳-۲۵ سال را دوره جوانی نام نهاده‌اند. این دوره به دلیل وقوع تحولات کمی و کیفی در ساختمان وجودی فرد، ظهور ویژگی‌های خاص جسمی، روحی، شخصیتی، اخلاقی و رفتاری نسبتاً متمایز از اهمیت در خور توجهی در مقایسه با سایر مقاطع عمر برخوردار است. این مقطع بدلیل وقوع تغییرات اساسی «تولد دوباره فرد» توصیف شده است. مارگارت مید انسان‌شناس امریکایی دوره جوانی را چنین تعریف کرده است: دوره جوانی را می‌توان دوره اگر - آیا تعریف کرد، دوره‌ای که با دو ویژگی خاص مشخص می‌شود: انتظارات گسترده از یک سو و ناکامی‌های عمیق از سوی دیگر. دوره‌ای که هنوز دستیابی‌های اقتصادی، اجتماعی و روانی کامل نشده‌اند. (نقل از شفرز، ۱۳۸۳: ۲۴)

جوانی همچنین از ابعاد و ساحات زیست‌شناختی، روان‌شناختی، فرهنگ‌شناختی و جامعه‌شناختی مختلفی که هر یک عرصه جولان یکی از حوزه معرفتی علوم انسانی است، برخوردار است. جوانی همچنین به مثابه یک خرده فرهنگ در درون فرهنگ عام و غالب جامعه کل مطرح است. این خرده فرهنگ به مثابه یک ایدئولوژی، جهان بینی، ارزشها، نگرش‌ها، الگوها و سبک زندگی جایگزینی را در اختیار جوانان قرار داده و تفسیر نسبتاً متمایزی از جهان هستی، انسان و دنیای اجتماعی پیرامونی بدیشان عرضه می‌کند. تعلق جوانان به این خرده فرهنگ، زمینه ابتلا به برخی آسیب‌ها را در ایشان محتمل می‌سازد. برخی اندیشمندان براین باورند که حرکت خرده فرهنگ‌ها به سوی نوعی خاص‌گرایی که با انگیزه هویت‌یابی و تشخیص هر چه بیشتر انجام می‌گیرد حرکتی ناگزیر است و این

حرکت چنانچه نظام مدیریتی نتواند آن را درون خود هدایت و تنظیم کند همواره امکان تبدیل شدن یک خرده فرهنگ به یک ضد فرهنگ که در تضاد با فرهنگ غالب قرار بگیرد، فراهم می سازد. (فکوهی، ۱۳۸۳: ۳۰۹) تعلقات خرده فرهنگی موجب می شود تا اعضای وابسته همواره به هنگام مراد و تماس با یکدیگر، در معرض کشمکش و تغییر قرار گیرند. (ر.ک: ترنر، ۱۳۷۸: ۳۷۸) جوانی همچنین در همه فرهنگ ها، به عنوان مقطعی برخوردار از ایده آل ها و کمال مطلوب ها و نماد پویایی، طراوت، شادابی، شورمندی، معنویت گرایی و خیال پردازی شمرده می شود. فرضیه ضمنی این نوشتار آن است که وجود درجاتی از ناهمبانی و ناهمنوایی یا به تعبیر اهل رسانه، وجود برخی پارازیت ها در فرایند ارتباطی روحانیت (به عنوان منبع پیام) با قشر جوان (به عنوان مخاطب)، از ویروسی شدن اجمالی این چرخه حکایت دارد. این مطالعه در صدد برشمردن برخی از این عوامل و موانع است.

مناسب ترین مدخل برای طرح مباحث تفصیلی، نقل یکی از بیانات جامع رهبر فرزانه انقلاب در دیدار با جمعی از جوانان است که در تاریخ ۱۳۸۰/۲/۱۲ در مصالای رشت ایراد فرمودند. توصیه های حکیمانه معظم له چکیده همه آن چیزی است که این نوشتار صدد طرح آن است: حرف من به مدیران و به برنامه ریزان و مسوولان کشور این است: این جمعیت عظیم جوان در کشور را یک رودخانه موج و پرفیض بدانید. این رودخانه به طور مستمر جریان دارد و سالها بعد از این هم جریان خواهد داشت. دوگونه می توان با این رودخانه برخورد کرد: یک برخورد این است که شما بنشینید عاقلانه، خردمندانه و با شیوه علمی، اولاً اهمیت این رودخانه را بشناسید؛ نقاط و مراکزی را که به آب این رودخانه احتیاج دارند، بشناسید؛ ثالثاً برنامه ریزی و کانال کشی کنید و آب را به آن جایی که نیاز است، هدایت کنید؛ آنگاه هزاران مزرعه و باغستان از این نعمت بی دریغ الهی سرسبز، و هر نقطه ی ویرانی آباد خواهد شد. شما می توانید این رودخانه موج را به پشت سدهای انرژی ساز هدایت کنید و یک منبع عظیم انرژی به وجود بیاورید و کل کشور را به فعالیت و تلاش وادار کنید. اگر با این موضوع، اینگونه برخورد کنید، آنگاه این پدیده، یک پدیده پربرکت و بی نظیر و استثنایی می شود که اگر یک یک مردم ایران هر روز صد بار خدا را به خاطر آن شکر کنند، شکر لازم و

شایسته را ادا نکرده اند. مشخصه این نوع برخورد، برنامه ریزی کردن، هدایت کردن، راه را باز کردن، نقطه نیاز را مشخص کردن و این متاع گرانبها و این هدیه الهی را درست در نقطه نیاز قرار دادن است؛ که نتیجه ی آن سرسبزی، خرمی، آبادانی، نشاط و برکت خواهد بود. برخورد دیگر این است که این رودخانه ی فیاض موج را به حال خود رها کنید؛ روی آن فکر نکنید؛ برای آن برنامه ریزی نکنید و قدر آن را ندانید. نتیجه چه می شود؟ نه تنها مزارعی خشک خواهد شد و باغستانهایی از بین خواهد رفت، بلکه خود این آب هم هدر خواهد رفت. در بهترین شکل، آب این رودخانه وارد آبهای شور خواهد شد و هرز خواهد رفت. شکل دیگرش این است که به باتلاق و مرکز تجمع انواع و اقسام آفتها تبدیل شود. شکل بدترش این است که به یک سیل تبدیل شود و همه دستاوردهای ملت را تخریب کند. اگر برنامه ریزی و دقت و کار نشد، این نتایج را بدنبال خواهد داشت. (در آیینه نگاه رهبری معظم، ۱۳۸۰: ۱۸۲-۱۸۳)

عوامل موثر در اخلال فرایند ارتباطی

عوامل موثر در اختلال فرایند ارتباط روحانیت با نسل جوان را می توان در سه محور ذیل خلاصه نمود: بخشی به منبع پیام (روحانیت)، بخشی به مخاطب (نسل جوان) و بخشی نیز به عوامل محیطی و شرایط کلی جامعه که به نوعی در این ارتباط نقش آفرینی می کنند، مربوط می شود. در پایان نیز، راهکارهایی جهت برون رفت از این وضعیت پیشنهاد شده است. مجددا تاکید می شود که فرض ما در این مطالعه، وجود ضعف ها و کاستی های اخلال کننده در فرایند ارتباطی روحانیت با نسل جوان و ضرورت اهتمام به ترمیم و اصلاح وضع موجود است. قاعدتا اگر کسی با این فرض موافق نباشد، بیشتر دعاوی و خرده گیریهای ذیل را نیز بی وجه تلقی خواهد کرد.

عوامل اخلال در ناحیه منبع پیام (مشکلات روحانیت با نسل جوان)

نیازی به ذکر نیست که بر شمردن ضعف ها و کاستی های روحانیت در این چرخه ارتباطی، هیچگاه به معنای غفلت یا نادیده انگاری سوابق درخشان، اقدامات دوران ساز، مجاهدت های به یادماندنی، هدایت گریهای تعیین کننده، تعهدمندیهای مسوولانه و نقش آفرینی های بعضا بی بدیل این قشر

فرهنگی خدوم نیست. بخشی از این مشکلات نیز نه به اشخاص که به سازمانها و تشکلات اجتماعی مسوول و متولی برنامه ریزی و سیاست گذاری فرهنگی بویژه در حوزه تبلیغات دینی برمی گردد. عوامل موثر در اختلال فرایند ارتباطی روحانیت بانسل جوان را می توان در عناوین ذیل خلاصه نمود:

- عدم آگاهی غالب روحانیون از نیازها، انتظارات و تمنیات اصیل و عصری نسل جوان. برای مثال، یکی از نیازهای فطری و بنیادین نسل جوان که در عصر جدید تحت تاثیر برخی بحرانهای تمدنی به صورتی بسیار فزاینده سربرآورده و آنان را به سمت عرفانهای نوظهور و مدعیان دروغین معنویت سوق داده است، موضوع معنویت خواهی و عرفانگرایی به عنوان یک نیاز فطری است. کم توجهی حوزه ها و روحانیت به این نیاز وجود شناختی، عرصه را برای ترک تازی جریات انحرافی بازگذاشته و زمینه سوق یابی بخش قابل توجهی از جوانها به سمت عرفانهای سکولار و معنویت گراییهای بریده از شریعت که همگان در انحرافی بودن آن اتفاق نظر دارند، را فراهم ساخته است.

- کمبود نیروهای اندیشمند، خلاق و دارای توان و جاذبه های ارتباطی و تبلیغی لازم متناسب با میزان نیاز در میدان های مختلف تعامل اجتماعی

- عدم توزیع مناسب نیروهای توانمند و مبلغان کارآمد موجود در عرصه ها و مناطق مختلف
- ضعف اطلاعات غالب روحانیون، مبلغان دینی و مراکز مطالعات دینی از موقعیت دین، نهادهای دینی و فرهنگ دینی در جامعه به بیان دیگر، عدم اهتمام علمای دین، حوزه های علمیه و مراکز پژوهشی دینی به مطالعات جامعه شناختی و معطوف به واقعیت محقق دین. و عدم اهتمام به بررسی عوامل اجتماعی موثر در دین ورزی، دین گریزی، دین ستیزی و تقویت و تضعیف آنها. یکی از نتایج طبیعی این وضعیت رشد روزافزون خرافات در جامعه و عدم حساسیت در خور در قبال آن است.

- فقدان سیاست ها و استراتژیهای مشخص تبلیغی، فقدان یک ستاد مرکزی هدایت گر امر تبلیغ دین در داخل و خارج از کشور و در میدانهای مختلف تبلیغی. کثرت متولیان و کارگزاران این عرصه آشفستگی و بی نظمی آن را بیش از پیش تشدید کرده است. چنین به نظر می رسد که، هیچ نظارت، کنترل و برنامه ریزی مشخصی در این رابطه وجود ندارد.

- محدود شدن بخش قابل توجهی از تبلیغات دینی به منبر و خطابه در ایام تبلیغی خاص و احیانا آموزشهای رسمی نه چندان موثر در کلاسهای درس. به بیان دیگر، اهتمام وافربه تبلیغات دینی

مستقیم و بهره‌گیری اندک از شیوه‌های تبلیغ غیر مستقیم که تاثیرگذاری آن با مطالعات و تجربیات گسترده بوضوح باثبات رسیده است.

- ناهمخوانی غالب تبلیغات دینی مرسوم با نیازها و ضرورت‌های عصری اقشار مختلف از جمله نسل جوان. عدم توجه غالب مبلغان و نهادهای تبلیغی به تحولات ساختاری گسترده در جامعه ایران که به افزایش سطح انتظارات در همه بخش‌ها از جمله تبلیغات دینی منجر شده و ضرورت ایجاد اصلاحات محتوایی، ساختاری و رسانه‌ای را متناسب با مخاطبان فراهم ساخته است.

- کانالیزه شدن ارتباطات تبلیغی روحانیت و محدود شدن خطوط ارتباطی به توده‌های مومن و دارای زمینه پذیرش به جای عموم توده‌ها. اینکه تبلیغات دینی مرسوم تا چه میزان در جلب و جذب توده‌های فاقد پیشینه‌های مذهبی و فرهنگی موثر است، جای بحث و گفت‌وگو دارد.

- عدم بهره‌گیری حرفه‌ای و مناسب از وسایل و امکانات رسانه‌ای مدرن در تبلیغات دینی و ضعف جدی در تولید و ارائه محصولات فرهنگی رسانه‌ای متناسب با نیاز و ذائقه اقشار مختلف جامعه. مبلغان مذهبی حتی از ظرفیت‌های موجود آمده در رسانه ملی نیز، به استفاده‌های حداقلی بسنده کرده‌اند.

- عدم اشتیاق غالب فضایی جوان و حوزویان دارای تحصیلات آکادمیک در رشته‌های مختلف علوم انسانی به فعالیت‌های مرسوم تبلیغی و ارتباط مستقیم با توده‌ها

- تعدد و تکثر کانونها و مراکز فرهنگی - تبلیغی و سیاست‌های ناهمگون آنها. تردیدی نیست که شیوه‌ها و شگردهای تبلیغی، محتوا، نوع ارائه، زبان مورد استفاده، فضای تبلیغی و... در تبلیغات مذهبی کارگزاران مختلف همچون رسانه ملی، آموزش و پرورش، دانشگاهها، خانواده، منابر و مساجد، مبلغان خانگی، محافل روشنفکری، خانقاهها و... با یکدیگر متفاوت بوده و نتایج مختلفی بدنبال دارد. این تنوع مجاری، خود از جمله عوامل بسیار مهم در ایجاد آشفتگی ذهنی و بدقواره شدن شاکله معرفت دینی نسل جوان شمرده می‌شود.

- تعدد و تکثر مرجعیت‌های فکری و جریان‌ات فرهنگی تاثیر گذار و به بیان دیگر ظهور رقبای جدی برای روحانیت اصیل. گروه‌های که در تلاش برای ربودن مخاطبان بالفعل و بالقوه آنها برنامه‌ریزی کرده و فعالیت‌های گسترده‌ای را به صورت آشکار و نهان صورت می‌دهند. طبیعی است که

موفقیت تبلیغی در این شلوغ بازار پرمدعی شگردهای خاصی می طلبد و قاعدتا هزینه های بیشتری تحمیل می کند.

- کاهش احساس نیاز به روحانیت تحت تاثیر ظهور جانشین های کارکردی ، نفوذ فرهنگی سکولاریسم ، تهاجم فرهنگی ، عملکرد ضعیف برخی مبلغان .

- تقلیل معیارهای دینداری به التزامات صوری به ظواهر فقهی و توجه اندک به روح و حقیقت دینداری در فرهنگ سنتی مذهبی غالب ؛ وضعیتی که بیشتر جوانان بدلیل غلیان تمایلات معنویت گرایانه و عرفان جویانه از پذیرش آن اکراه دارند .

- عدم توان در ترسیم و ارائه الگو های زیست مومنانه متناسب با جامعه موجود در سطوح مختلف خرد و کلان . اینکه یک زیست جهان مومنانه یا متناسب با خواسته ها و انتظارات مومنان چه ویژگی های دارد ، چه کسانی مسؤل طراحی و ارائه آنند و اینکه چگونه می توان از میان الگوها و سبک های زیستی موجود و تجربه شده ، به تحقق آن امید بست ؛ تنها بخشی از سوالاتی است که همواره و به زبانهای مختلف از سوی مومنان اندیشمند و غالب نسل جوان ما مطرح می شود و تا کنون حتی در مقام نظر نیز بی پاسخ مانده است .

- انتساب روحانیت به حاکمیت سیاسی و انعکاس تبعات ناشی از انتظارات بی پاسخ و مشکلات جامعه بر فرایندهای ارتباطی توده ها با روحانیت

- اختلاف نظرهای موضعی روحانیون و علما در برخی مسایل سیاسی و حکومتی که غالبا به بروز اختلاف در برداشت ها ، تفسیرها و موضع گیریهای مردم در این خصوص و احیانا بروز تزلزلها اعتقادی منجر شده است . اختلافات و تقابل های توجیه ناپذیر برخی علما و روحانیون در شهرستانها و انعکاس آن در فرهنگ عمومی این مناطق ، واقعیت انکارناپذیر دیگری است که همواره مساله آفرین بوده است .

- حضور چشمگیر ، غالبا برنامه ریزی نشده و بعضا غیر ضروری طلاب و روحانیت در موقعیت ها ، مصادر ، مناصب و میدانهای مختلف اجتماعی و ایجاد نوعی وازدگی عمومی

- ضعف های اخلاقی ، مدیریتی ، علمی و در مواردی سوء استفاده ، فرصت طلبی و خودمداری برخی روحانیون که تدریجا به کاهش ضریب اعتماد عمومی به ایشان یا احیانا جامعه روحانیت منجر

شده است. این قبیل انحرافات و رفتارهای خلاف شان، بویژه برای نوجوانان و جوانانی که روحانیت را آئینه تمام نمای اسلام و جانشینان حقیقی معصومان (ع) می‌انگارند و به چشم شخصیت های الگویی به ایشان نگاه می‌کنند، بسیار شوک آور و شکننده خواهد بود.

- دامن زدن بیش از حد اهل منبر و غالب تریبون داران تبلیغات مذهبی به جنبه های عاطفی و احساسی دین و کم توجهی به جنبه های اعتقادی و معرفتی آن. استقبال شایان و انکارناپذیر خیل جوانان از مجالس مداحی و تعزیه خوانی نباید سیاست گزاران فرهنگی را از جنبه های آسیبی و کارکردهای منفی این قبیل محافل و مجالس غافل سازد.

برخی نویسندگان از موضعی آسیب شناختی، بروز برخی تغییرات اساسی در جایگاه پیشین روحانیت را عامل اصلی در شکل گیری برخی فاصله ها و شکاف ها میان آنها با توده ها برشمرده اند: نوع روابط که مردم با روحانیت و همچنین روحانیت با مردم برقرار می‌کردند در سطح روابط اولیه قرار داشت. به این معنی که عاطفی، غیر رسمی، دوستانه، نامشخص، تعریف نشده، و نامحدود بود. در واقع، از ویژگی روابط در سطح زیست جهان برخوردار بود. در این زمان روحانیت اگر چه در سطوحی برابر با مردم قرار داشت اما براساس ذهنیت مثبتی که از روحانیت موجود بود روحانی در جایگاه مقدس قرار داشت و علوم دینی (حوزوی) نیز از جایگاه متعالی برخوردار بود. مردم به روحانیت روی می‌آوردند و تقریباً تمام مسائل شخصی، اجتماعی، سیاسی و دینی موجود در زندگی روزمره را با مراجعه به آنان حل می‌کردند... اما بعد از انقلاب، تحولی اساسی رخ داد و جا به جایی های در جایگاه روحانیت صورت گرفت که موجب انتقال روحانیت از زیست - جهان به سطح سیستم شد. روحانیت، بیش از پیش خصیصه سیستمی یافت و به دنبال آن نقش ها و کارکردهایی که به عهده داشت تغییر کرد... با حضور روحانیت در سطح سیستم، نوع روابط او با مردم نیز تغییر یافت. روحانیت در سطح روابط ثانویه قرار گرفت و در چارچوبی مشخص و محدود، تعریف شده و رسمی با مردم ارتباط برقرار کرد. تمامی اینها کمک کرد تا حضور فراگیر و همه جایی روحانیت در زیست - جهان کمرنگ شود... به دنبال آن تیپ بندی ای نیز که جامعه از روحانیت داشت تحول یافت. عناصری از روحانیت که به سطح سیستم انتقال یافتند موجب شدند که بیشترین دگرگونی در

اذهان مردم در باره روحانیت رخ دهد. در نتیجه ذهنیتی عرفی، انتقادی، عقلانی و این دنیایی نسبت به روحانیت شکل گرفت. (وریچ کاظمی و فرجی، ۱۳۸۲: ۲۵۹)

عوامل اخلال در ناحیه مخاطب (مشکلات نسل جوان)

همانگونه که در قبل بیان شد نسل جوان برغم برخورداری از مجموعه وسیعی از ویژگی های ممتاز و بعضا منحصر بفرد، از برخی عوارض ناشی از موقعیت سنی و خصوصیات دوران گذار که در قالب فعل وانفعالات جسمی و روحی و واکنش های رفتاری متنوع به ظهور می رسد، موقعیتی آسیبی دارد. این وضعیت عمدتا تحت تاثیر فرایند چند خطی بلوغ از درون، عملکرد عوامل مختلف محیطی از بیرون و ارتباطات متقابل جوان با این عوامل به صورتی درهم آمیخته و با جلوه های و اشکال مختلف بوجود می آید. اهم این عوامل که قابلیت تاثیر گذاری دوگانه و غالبا منفی در چرخه ارتباطی نسل جوان با روحانیت و احیانا سایر عوامل محیطی دارند، را می توان در عناوین ذیل خلاصه نمود: تجربه رشد سریع روانی - اجتماعی، فرهنگ پذیری و جامعه پذیری مستمر، آمادگی بالا برای پذیرش فضیلت های انسانی و ارزش های اخلاقی، روحیه مانویگرایی و تقسیم جهان به دوقطب سفید و سیاه، خودشیفتگی در مقابل ارجاع به دیگران؛ غلبه روحیه خود پیرو در مقابل دیگر پیرو، بی ثباتی عاطفی، بلهوسی و تلون مزاجی؛ غلبه هیجانات، زود باوری، نوگرایی و تنوع خواهی، احساسات فداکارانه و عدالت جویانه، تلاش در جهت کسب تایید همسالان، در جستجوی کسب جایگاه اجتماعی، توجه فزاینده به هیات ظاهری و ویژگی های جسمی، غلبه روحیات انتقادی و ضعف آمادگی برای پذیرش دیدگاه و انتقاد دیگران، علاقه به تفریح و سرگرمی، نگرانی مستمر از آینده نامعلوم خود، در معرض اختلالات روحی و شخصیتی بودن، برخورداری از برخی ویژگی های متضاد (از گستاخی تا ترس مرضی، از احساس قدرت زیاد تا ضعف شدید، از امید زیاد تا یاس سریع در برخورد با مشکلات، از تحرک و پویای زیاد تا میل به انزوا گزینی و...) (ر.ک: خدایاری فرد، ۱۳۷۹: ۱۷؛ شرفی، ۱۳۷۶؛ مظلومی، ۱۳۶۴: ۸۰-۸۸؛ احمدی، ۱۳۶۹؛ اکبری، ۱۳۸۱)

- بحران هویت و پذیرش کیستی های مختلف به تبع شرایط محیط

- ابتلا به ذهنیت نسلی و یافته ها و اقتضائات خرده فرهنگی . ذهنیت نسلی نشان دهنده برداشتی است که نسلها از جایگاه خود در تاریخ دارند . هر فرد معمولا درون حوزه ای از ابژه های نسلی زندگی می کند . ذهنیت نسلی مجموعه ای از ایده هاست که از تاثیر واقعیت برآحاد هر نسل سرچشمه می گیرد . هر نسل با استفاده از تفسیرهای ناخودآگاهانه اش از رویداد ها ، ابژه های نسلی آگاهانه ای را پدید می آورد و از تحلیل بحرانهای محیطی به ذهنیتی خاص دست می یابد . (بالس ، ۱۳۸۰: ۱۸) ذهنیت نسلی، همچنین نوعی تعیین هویت جمعی است . از این رو ، جوان بیشتر از اقتضائات خرده فرهنگی خود و هویت جمعی غالب بر این خرده فرهنگ متاثر است . - تجربه درجاتی از شکاف میان نسلی و کاهش تاثیرپذیری از بزرگترها و نسل های پیشین . به تعبیر برخی نویسندگان : یکی از عملکردهای اصلی [نظام آموزشی] بیگانه ساختن فرزندان با والدین است . (نقل از گاردنر ، ۱۳۸۶: ۱۳۶)

- احساس شکاف میان فرهنگ سنتی دریافتی از خانواده با فرهنگ دینی ترویج شده توسط مراکز رسمی و آکادمیک

- وابستگی روحی و ذهنی به گروههای مرجع متعدد . گروه مرجع ، گروهی است که مردم وقتی خود و رفتار خود را ارزیابی می کنند ، به آن اشاره و رجوع می نمایند . ما همواره خود ، اعمال ، ظواهر ، ارزشها ، آرزوها و شیوه های زندگیمان را با ارجاع به معیارهای گروه یا گروههایی که بدانها تعلق ذهنی و روانی داریم ، مورد سنجش و ارزیابی قرار می دهیم . این گروه ممکن است گروهی باشد که ما در آن عضویت نداریم . گروههای مرجع ، عنصر مهمی در فرایند جامعه پذیری شمرده می شوند و می توانند رفتار و شخصیت فرد را با همان درجه و قوت گروهی که بدانها وابسته است ، شکل دهند . (رابرتسون ، ۱۳۷۷: ۱۵۵)

- بعضا عدم احساس نیاز به دریافت تحقیقی معارف دین در کنار رشته های تحصیلی و اشتغالات معمول

- بعضا اشتیاق وافر به جنبه های احساسی و عاطفی دین و معنویت گرایی عاری از پشتوانه های عمیق معرفتی

- ضعف تجربه و آگاهی برای درک و تفسیر معادلات پیچیده محیط
- ضعف آمادگی برای رویارویی با شبهات و انحرافات فکری و اعتقادی
- عدم حساسیت کافی در برخورد با انحرافات محیط
- ضعف فرهنگ مطالعه برای ارتقای سطح اطلاعات، تعمیق بینش ها و پرکردن اوقات فراغت
- ضعف فرهنگ مشاوره برای طرح مشکلات و بهره گیری از تجربیات دیگران
- وابستگی شدید به رسانه های جمعی بویژه تلویزیون
- درگیر بودن با برخی مشکلات توانفرسا در حوزه انتخاب رشته تحصیلی، شغل، ازدواج، سبک زندگی، تحرک اجتماعی و...
- تاثیر پذیری از برخی رسوبات و القائات فکری و تفسیرهای جدید از جایگاه و نقش دین و ارتباط آن با سایر مولفه های تمدنی، ظهور پدیده روشنفکری دینی و بازخوانی عصری از برخی مفاهیم دینی، شبهه افکنی در برخی قرائت های مرسوم، مناقشه در جایگاه، نقش و ضرورت اجتماعی و فرهنگی روحانیت، گرایش غالب نسل جوان به تمدن غرب و الگوهای زیستی ترویجی آن، معرفی دین به عنوان یکی از موانع توسعه مدرن توسط برخی مکاتب فکری، تاثیر پذیری از برخی اندیشه های معارض موجود در منابع درسی دانشگاهی. جالب است که یکی از اندیشمندان معاصر، تحصیل در دو نظام آموزشی با اقتضائات متفاوت را عامل اصلی اختلاف تفسیر حوزویان و دانشگاهیان از مسائل مختلف می داند: چرا و چگونه دو نوع نهاد و فلسفه آموزش در درون جهان اسلام فارغ التحصیلانی می پرورد که در حالی که اهل یک کشورند و به یک زبان تکلم می کنند، دو نوع جهان نگری بسیار متفاوت دارند. این نوع جهان نگریمهای متفاوت در همه سطوح آموزشی و نقش معلم در اسلام... تا نقش طلبه و دانشجو در نهاد آموزشی اسلامی تا رابطه و نسبت میان علم و اخلاق و یا علم و دین، محتوای برنامه های درسی، معنا و مقصود آموزش و همه عناصر اساسی و بنیادینی که آموزش را تشکیل می دهد، نیز انعکاس یافته است. در پایان نیز توصیه می کند که: ... [جوانان مسلمان باید] در حد مقدور بتوانند آنچه را که از علوم غربی می خواهند، بیاموزند بدون آن که زیاده و به طور ناخودآگاه تحت تاثیر نیروهائی قرار بگیرند که می تواند نگرش دینی ایشان را تحریف کند، ایشان را از نظر معنوی و فکری بی ریشه سازد و با زمینه

سستی خاص خودشان بیگانه گرداند، و در یک کلام یک عامل بالقوه نیرومند دیگر بر مجموعه عوامل بی نظمی و اغتشاش در درون جامعه اسلامی بیفزاید... مهمترین چیز برای جوان مسلمان آن است که به پیام عام و جهانی اسلام در تعالیم مربوط به خداوند، بشر، جهان طبیعت، فرجام کار انسان و وحی متمسک باشد و از شریعت و تعالیم معنوی و اخلاقی این دین متابعت کند... این نیز فوق العاده مهم است که مسلمین جوان مطالب هر چه بیشتری در باره سنت فکری خودشان که همه رشته های مختلف علوم اسلامی را از فقه و اصول فقه تا کلام و فلسفه و علوم معنوی تصوف و طبعا اصول اساسی تفسیر قرآن و حدیث را در برمی گیرد، بیاموزند. (نصر، ۱۳۷۳: ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۵۴ و ۳۵۶)

- تمایل زیاد به رویگردانی از فرهنگ غالب: عدم توافق با برخی هنجارها، ارزش ها، رسوم و عادات و نیز موسسات و نهادهای اجتماعی می تواند نشان از فاصله گرفتن، درگیری و حتی اعتراض جوانان باشد. در اینجاست که مرز بین انحراف و نوآوری، قانون شکنی و تغییرات اجتماعی - فرهنگی مغشوش می شود. (شفرز، ۱۳۸۳: ۲۲۴) همین ویژگی موجب شده تا جوانان در همه جا، پیش گام استقبال از تغییرات فرهنگی باشند، جوانان غالباً استعداد گسست فرهنگی و عدم بازآفرینی شیوه های فرهنگی سنتی را از خود نشان می دهند. مد گرایی، تنوع در زبان، پوشش، رفتار، علایق زیباشناختی و ایدئولوژیهای همسو با خرده فرهنگهای جوانان؛ نمودهای آشکار این گسست شمرده می شوند. به نظر می رسد این تمایل به وام گیری و یا تاثیر پذیری فرهنگی در عرصه های جهانی شدن شدت و ابعاد بیشتری یافته است. (ذکایی، ۱۳۸۶: ۱۲۶)

- واکنش های متنوع و تامل برانگیز به بحرانهای محیط: توماس لوکمان در تحلیل فرقه گرائیهای جوانان می نویسد: جوانان از شر پیچیدگی های دنیای معاصر به دامن فرقه هایی از اقلیت ذهن گرا که برای هر امر پیچیده ای پاسخی ساده در آستین دارند، پناه می برند. ارنست ترولیچ جامعه شناس دین نیز، فرار از واقعیت را منشا سوق یابی و پناه بردن جوان به این فرقه ها قلمداد کرده است: پناه بردن به دامن فرقه ها و همخوانی مطلق با نویدهای آنها، برای خروج از سدرگمی و بی سمتی که رددوره جوانی به خاطر بحران اجتناب ناپذیر هویت تشدید می شود، می تواند سبب

فرار از واقعیت های زندگی شود و انسان را برای سال های طولانی در دام فرار از واقعیت زندگی اسیر کند. (نقل از شفرز، ۱۳۸۳: ۱۸ و ۱۳۴) توسل به تخیل گرایی و خیال پردازی نیز ترفندی روان شناختی برای نیل به نوعی آرامش نسبی است. (شرفی، ۱۳۸۰: ۵۹)

- در معرض انواع توطئه های مختلف فرهنگی دشمنان داخلی و خارجی قرار داشتن
- عدم دسترسی کافی به روحانیت اندیشمند و هدایت گر

عوامل محیطی موثر در اخلاق (که در ارتباط متقابل روحانیت و نسل جوان انعکاس می یابد)

در محیط عام نیز وجود برخی عوامل وموانع بالقوه می تواند چرخه ارتباطی روحانیت با نسل جوان را متاثر سازد. برخی از مهم ترین این عوامل عبارتند از:

- نرخ بالای جمعیت جوان کشور، نیازها و مطالبات متنوع و فزاینده، عدم آمادگی کافی برای پاسخ دهی مناسب به این نیازها بویژه در بخش های فرهنگی.

- وقوع تحولات ساختاری در چند دهه اخیر در جامعه ایران عمدتاً به تبع تحولات جهانی مثل: مهاجرت گسترده از روستا به شهر، شهرنشینی فزاینده، تراکم جمعیت در شهرهای بزرگ با اقتضانات ویژه، رشد سواد عمومی، افزایش تحصیل کردگان و فارغ التحصیلان دانشگاهی بویژه در جمعیت نسوان، برهم خوردن نظام تقسیم کار سنتی، تکثرو تنوع دم افزون موقعیت ها، ورود بانوان به عرصه های اشتغال بیرون خانگی، ظهور وسایل ارتباط جمعی متنوع، تکثیر و تنوع مرجعیت های مختلف علمی، فرهنگی، معرفتی، اخلاقی در جامعه، گسترش ارتباطات با سایر جوامع و امکان اشاعه فرهنگی، میل به علم گرایی و عقل گرایی، رشد عرفی گرایی و کاهش موقعیت کارکردی دین، قشربندی و لایه بندی جامعه، عضویت قهری افراد در گروه های مختلف با اقتضانات خاص، فشردگی زمان و مکان تحت تاثیر ظهور فرایند جهانی شدن، کثرت گرایی فرهنگی و به طور کلی کلی، برهم خوردن جهان زیست سنتی انسانها و ظهور جهان زیست ها و سبک مختلف زندگی که خود تجلی بارز تنوع خواهی بی حد و حصرانسان مدرن است.

- مشکلات عام جامعه که برزندگی عموم و از جمله جوانها انعکاس یافته است: فقر، بیکاری، بی عدالتی، تبعیض، بازیهای سیاسی، بالارفتن سن ازدواج، شیوع کنترل ناپذیر انحرافات و آسیب های

همایش ملی مناسبات روحانیت و نسل جوان مهرماه ۱۳۸۸ (مجموعه مقالات علمی)، از صفحه ۱۲۹ تا ۱۶۱

اجتماعی، شیوع جریانات متعدد فرهنگی، کاهش کنترل محیط، دل مشغولی شدید به مسائل و مشکلات معمول زندگی تحصیلی، شغلی، خانوادگی و...

- مشکلات متنوع خانواده ها بویژه در عرصه تربیت و کنترل فرزندان، کاهش کنترل والدین بر فرزندان، عدم توان در نظارت بر فرایند ارتباطی فرزندان با محیط و استفاده آنان از اقلام فرهنگی و رسانه ای مثل ماهواره، اینترنت و ... که خود در نحوه ارتباط آنها با محیط و از جمله روحانیت نقش تعیین کننده ای دارد، اشتغالات بیرونی و کم توجهی به ضرورت های تربیتی فرزندان، القای بینش های ضعیف و بعضا نادرست از موضوعات دینی، ناهمخوانی میان مطالبات فرهنگی خانواده با مدرسه و دانشگاه و در مواردی محیط عام نیز مشکل دیگری است که غالب جوانها با آن دست به گریبانند. برخی خانواده ها نیز به دلیل وقوع طلاق، ناهمخوانی میان الگوهای فرهنگی و تربیتی والدین، تعصب ورزی و مقدس مابی، تراکم بالای جمعیت، سرپرستی بیماران خاص، شبکه های ارتباطی ناهمخوان، استقرار در محیط های آسیب زا و... با مشکلات علیحده ای مواجه اند که بالطبع در فرایند ارتباطی اعضای آنها با محیط به گونه های مختلفی انعکاس می یابد.

- ضعف کارایی نهادهای کلاسیک متولی تعلیم و تربیت مذهبی جوانان همچون: معاونت پرورشی در مدارس، نهاد نمایندگی در دانشگاهها، عدم برخورداری از آموزگاران و اساتید قوی و مجرب در دروس تعلیمات دینی و معارف اسلامی، ناتوانی غالب اساتید از پاسخگویی به سوالات و شبهات متعلمان، وجود زمینه برای القای اندیشه های روشنفکرانه و شبهات اعتقادی توسط دگر اندیشان، ضعف جایگاه معلمان دینی و دروس معارفی در مدارس و دانشگاهها، ضعف فعالیت ها و اقدامات فرهنگی مکمل در این محیط ها برای رشد و شکوفایی قابلیت های دانش آموزان و دانشجویان.

- سکولاربودن ماهیت برخی دانش ها و مواد درسی، شیوع نهضت ترجمه و انتقال گسترده و بی ضابطه منابع علمی اعم از کتب و مقالات در حوزه های مختلف با جهت گیریهای ناهمخوان فرهنگی به محیط ها و کانونهای علمی و فرهنگی. این مهم در حوزه ورود رسمی و غیر رسمی برنامه های مختلف رسانه ای بویژه رسانه های تصویری (همچون تلویزیون، ماهواره، اینترنت، رایانه و ویدئو) که عموم مردم با آن در ارتباطند، وفور و نمود محسوستری دارد. آثار فرهنگی ناهمخوان و در مواردی مخرب این برنامه ها را بوضوح می توان در جلوه های رفتاری، گفتاری، پوششی و آرایشی شماری از

نسل جوان بویژه در کلان شهرها مشاهده نمود. همچنین روی آوردن جوانها به استفاده افراطی از رسانه های مدرن بویژه اینترنت به تدریج به تقویت فردگرایی، کاهش تمایل به مشارکت و تعامل اجتماعی، انزوا، تقویت روحیه خشونت ورزی و سوق یابی به انحرافات اخلاقی و در نتیجه افول سرمایه اجتماعی منجر شده و تا حد زیاد رغبت و تمایل آنها به فعالیت جدی و تعامل عینی در حوزه های عمومی را کاهش داده است. (ذکایی، ۱۳۸۶: ۱۳۹)

- ضعف اطلاعات غالب جوانان از میراث و سرمایه های فرهنگ خودی که خود در ایجاد از خود بیگانگی ملی و احساس بی هویتی و در نتیجه آمادگی برای پذیرش امواج فرهنگی بیگانه تاثیر تعیین کننده دارد. غالب طلاب و مبلغان ما نیز به بازخوانی این سرمایه ها توجه درخوری مبذول نمی کنند و در مواردی نیز بنام مبارزه با خرافات در مقابل برخی از این آثار موضع مخالف نیز می گیرند.

- ضعف توجه به رشد اخلاقی و تربیتی نسل جوان توسط نهادها و مراکز فرهنگی و متولیان امور بویژه مراکز آموزشی و رسانه های گروهی

- ضعف حساسیت نسبت به ورود جریانات فکری و فرهنگی ناهمخوان در فضای مدارس، دانشگاهها و محیط عام. بدیهی است که امکان ایجاد مصونیت فرهنگی در شرایط موجود که عصر ارتباطات و آزادی اطلاعات لقب گرفته، وجود ندارد اما بی توجهی و غفلت از روند امور نیز تبعات جبران ناپذیری بدنبال خواهد داشت. هشدارهای مقام معظم رهبری در خصوص پدیده شبیخون یا تهاجم فرهنگی، آن گونه که باید توسط مسوولان امر جدی تلقی نشده است.

- عدم اطلاع رسانی درست و شفاف به نسل جوان در خصوص تهدیدها و آفات محیط و ایجاد حساسیت های لازم در آنها.

- گسترش روزافزون فرهنگ مدرن و سکولار، پوچ گرایی و نیهلیسم، لذت گرایی لجام گسیخته، بی بند و باریهای اخلاقی از مجاری مختلف که به نحیف شدن بنیه اعتقادی و اخلاقی و تضعیف تدریجی آن منجر شده است.

- سطحی شدن دینداری و ضعف حضور دین در عرصه های مختلف زندگی اجتماعی مومنان، وضعیتی که خود نمایانگر وجود درجاتی از سکولاریسم خفیف است و در نتیجه، ادعای دین و

دینداران مبنی بر ساختن یک حیات اجتماعی مطلوب و سعادت آفرین را بویژه در ذهنیت جوانان مخدوش می سازد .

- کاهش موقعیت کارکردی دین و کم اعتبار شدن سنت ها تحت تاثیر ظهور بدیل‌های کارکردی ، روند سکولاریسم و وقوع تحولات ساختاری در جهان معاصر و به تبع آن در جامعه ایران .

- تعدد و تنوع گروه‌های مرجع و به تعبیر برخی جامعه شناسان ، «دیگران مهم» و ظهور کانال های متکثر معنا سازی که خود یکی از عوامل عمده در تنوع نظام شخصیتی ، الگوهای رفتاری و سبک های زیستی نسل جوان شمرده می شود . در این فضای متورم قاعدتا موقعیت چهره های شاخص روحانی به مثابه گروه‌های مرجع ، در مقایسه با گذشته افت محسوسی خواهد داشت یا دست کم تبلیغات سنگین برای جانداختن برخی الگوها و سوپر استارها و تصویر سازی مثبت به نفع ایشان ، موجب کم توجهی نسل جوان به اسوه های روحانی شده و می شود .

- فعالیت های فرهنگی گسترده گروهها و جریانات مختلف داخلی غالبا وابسته به بیرون (از طریق چاپ و توزیع کتاب ، نشریه ، تشکیل محافل و پارتی ها ، راه اندازی سایت های اینترنتی ، شبکه های ماهواره ای ، تولید نرم افزار و...) .

- عدم برنامه ریزی و تخصص امکانات لازم برای پرکردن اوقات فراغت نوجوانان و جوانان که خود بالقوه می تواند ضریب آسیب پذیری ایشان بویژه از طریق روی آوری به اقلام فرهنگی و رسانه ای مدرن را افزایش دهد .

- کمبود کتابخانه های عمومی و عدم توزیع درست امکانات کتابخانه ای و و بالاتر از همه ضعف فرهنگ مطالعه در عموم توده ها از جمله نسل جوان که خود می توانست علاوه بر تامین نیازهای متنوع اطلاعاتی و معرفتی ، اوقات فراغت ایشان را به نحو مفید و مطلوب پوشش داده و آنها را از روی آوردن به سرگرمی ها و اشتغالات ناسالم تا حد امکان بدور دارد .

- ضعف فرهنگ مشاوره در جامعه و در میان نسل جوان بویژه برای ارتقای سطح فکری ، طرح مشکلات و بهره گیری از تجربیات دیگران

- ضعف امکانات در تولید و عرضه محصولات فرهنگی بویژه در حوزه معارف دین متناسب با نیاز های اقشار مختلف از جمله نسل جوان .

همایش ملی مناسبات روحانیت و نسل جوان مهرماه ۱۳۸۸ (مجموعه مقالات علمی)، از صفحه ۱۲۹ تا ۱۶۱

- ناهمخوانی اجمالی میان انتظارات عرفی و شرعی که تعاملات جمعی مومنان و از جمله نسل جوان را در سطوحی دستخوش سردرگمی و آشفتگی کرده است .

راههای پیشنهادی برای برون رفت از وضعیت موجود (عمدتاً با محوریت سازمانهای متولی امر تبلیغات دینی در کشور) تردیدی نیست که اعمال برخی اصلاحات و به کار بستن برخی توصیه ها و تذکرها بالقوه می تواند در کاهش فاصله ها و تقویت فرایند ارتباطی روحانیت با نسل جوان موثر واقع شود :

- بازیابی شان و جایگاه روحانیت در جامعه و نقش ووظایف محوله بویژه در شرایط خطیر فعلی .
مقام معظم رهبری در یکی از توصیه های خود به فضلاء حوزه می فرمایند : « روحانیون در در دانشگاه می توانند ملجا و ملاذ و رازدان و سنگ صبور تموجات روحی جوانان هم باشند . جوان مرکز عواطف و احساسات است ؛ واردات روحی زیادی دارد - همچنانکه واردات ذهنی هم دارد - جایی احتیاج است که جوان بتواند خود را در آن جا ، در پناه یک روح بزرگ و دل صبور و نفسی مهربان و نیک خواهی قرار بدهد . این دل صبور ، فکر بلند و روح نیک خواه عبارت است از همین روحانی که دردها و مشکلات را می شنود ؛ راهنماییهای لازم را می کند ؛ همدردی و طبابت معنوی و روحی را می کند . البته اگر یک روحانی به این نقطه رسید ، باید بداند که کارش در دانشگاه موفق بوده است ؛ اگر هنوز به این نقطه نرسیده اند ، بدانید کمبودی در کار است والاروحانی اگر به آن شکلی که عرض شد - با آن دو خصیصه - در هر جا حضور پیدا بکند، به خصوص در محیط جوان ، لامحاله این خصیصه ی سوم به وجود خواهد آمد . (در آیینه نگاه رهبرمعظم ، ۱۳۸۰: ۲۴۷)

- تعیین عرصه های حضور اجتماعی روحانیت و نحوه همکاری این نهاد با بخش های مختلف نظام و اقتضائات آن

- آگاه سازی هر چه بیشتر روحانیت بویژه مبلغان فعال از شرایط جدید جهان معاصر و واقعیات جامعه ایران و نحوه تعامل با آن

- شناسایی و جذب نیروهای مستعد جهت تحصیل در حوزه های علمیه و ضرورت برنامه ریزی همه جانبه برای آموزش و تربیت نیروهای کارآمد جهت ایفای وظایف محوله در عرصه های مختلف

- بازنگری در نحوه توزیع و استقرار نیروهای تبلیغی موجود و روحانیون کارآمد در حوزه ها و مناطق مختلف کشور و اجرایی کردن هر چه بیشتر و بهتر طرح پیشنهادی «هجرت» برای اعزام موسمی یا دائم فضلالی روحانی به مناطق محروم

- تقویت مستمر بنیه علمی و نیازهای معرفتی و اطلاعاتی روحانیون مبلغ

- تقویت روحیه و وظیفه شناسی و احساس مسوولیت بیشتر بویژه در طلاب جوان و ترغیب ایشان به فعالیت های تبلیغی

- لزوم بررسی منتقدانه و شناسایی دقیق وجوه قوت و ضعف وضعیت موجود تبلیغ و برنامه ریزی برای ایجاد تحول مثبت در آن

- بازبینی ارتباطات روحانیت و نسل جوان در گذشته و حال و آسیب شناسی کارشناسانه آن

- شناسایی راههای برقراری ارتباطات موثر و کارآمد با بهره گیری از مطالعات و تجربیات کارشناسانه

- مخاطب شناسی و مطالعه دقیق نیازها و انتظارات نسل جوان از روحانیت . در این ارتباط نیز توجه به یکی دیگر از توصیه های مقام معظم رهبری مغتنم خواهد بود : « این قدر که من به فضلالی جوان و به علما توصیه می کنم که با نسل جوان تماس بگیرید ، برای این است [شناخت سوالات و شبهات] . با نسل جوان تماس بگیرید ، سوالهای اینها را بخواهید ، استفهامهای اینها را بشناسید ، ببینید وقتی پای صحبت روحانی می نشینند ، چه می طلبند ؛ ... این شناختن نیازها ، خیلی مهم است . (در آینه نگاه رهبری معظم ، ۱۳۸۰: ۲۴۵)

تردیدی نیست که مخاطب شناسی و عطف توجه عمیق به نیازها و مطالبات مخاطب ، نقش بسیار مهمی در تاثیر بخشی پیام دارد و مخاطب محوری به معنای مثبت آن یک اصل استراتژیک در همه تعاملات ارتباطی است .

- ظرفیت شناسی ، فرصت سازی و بسط قلمرو فعالیت های تبلیغی فراتر از ظرفیت های موجود

- همکاری سازمان یافته روحانیت و حوزه های علمیه با آموزش و پرورش ، دانشگاهها ، رسانه های گروهی ، کانونهای ورزشی و همه مراکزی که به نوعی در ارتباط با نسل جوان مسولیت داشته و فعالیت می کنند و ایجاد زمینه برای ورود روحانیت توانمند به این مراکز .

همایش ملی مناسبات روحانیت و نسل جوان مهرماه ۱۳۸۸ (مجموعه مقالات علمی)، از صفحه ۱۲۹ تا ۱۶۱

- رصد مستمر مسائل و مشکلات نسل جوان و تلاش برنامه ریزی شده برای رفع و کاهش آنها بویژه در خصوص پدیده پرگستره و غالباً مرموز تهاجم فرهنگی دشمنان

- لزوم کسب آمادگی های لازم برای همنوایی با نسل جوان، درک شرایط و موقعیت او و تمهید واکنش های هدایتی متناسب با سطح نیازها. جوانان معمولاً نسبت به علائق، سلیق، ترجیحات، ایده آله، انتخابها و به طور کلی، رویه ها و منش های بعضاً غیر متعارف خود، تحمل بیشتری را از اطرافیان بویژه مربیان خود انتظار می برند. روحانیت برای برقراری ارتباطات کلامی، عاطفی، مشورتی و الگویی خود با نسل جوان به جلب اعتماد ایشان نیازمند خواهد بود. جوان به اقتضای تنوع ضرورت های ناشی از فرایندهای تکاملی خویش به طیفی از هدایت گریهای مختلف نیازمند است. نیاز همزمان به تربیت فیزیکی و بدنی، تربیت عاطفی (پرورش احساسات نوع دوستانه، همدلی و تفاهم با دیگران و داد و ستد عاطفی با اطرافیان)، تربیت اجتماعی، تربیت عقلی، ذهنی و فکری؛ تربیت اخلاقی و معنوی و همچنین تامین اجتناب ناپذیر طیف گسترده از نیازهای شناخته شده: نیاز به امنیت (ایمنی خاطر)؛ نیاز به مقبولیت (پذیرش)؛ نیاز به موفقیت و پیشرفت؛ نیاز به داد و ستد عاطفی؛ نیاز به تحصیل یک فلسفه حیاتی ارضاء کننده؛ نیاز به معنویت؛ نیاز به خودشکوفایی (تحقق خویشتن) (شرفی، ۱۳۸۰: ۱۵۲-۱۵۳) زمینه سوق یابی و وابستگی جوان به مربیان مختلف را فراهم ساخته است. روحانیت نیز به مثابه مربیان تربیتی، قاعدتاً باید جایگاه و نقش خود را در همین ارتباط جستجو و تعریف کنند.

- معرفی حوزه و روحانیت وامکانات و سرمایه های آن به نسل جوان با هدف زدودن برخی ذهنیت های ناصواب. به بیان شهید مطهری: انقلاب ایران اگر در آینده بخواهد به نتیجه برسد و همچنان پیروزمندانه به پیش برود، می باید باز هم روی دوش روحانیان و روحانیت قرار داشته باشد. اگر این پرچمداری از دست روحانیت گرفته شود و به دست به اصطلاح روشنفکران بیفتد، یک قرن که هیچ، یک نسل که بگذرد، اسلام به کلی مسخ می شود. زیرا حامل فرهنگ اصیل اسلامی، در نهایت باز هم همین گروه روحانیان متعهد هستند. (۱۳۷۲: ۱۸۴)

- حساسیت آگاهانه نسبت به جریانات رقیب و مدعیان دروغین. شهید مطهری ره در بیانی نغم می فرماید: « امروز این ملت تشنه اصلاحات نابسامانیها است و فردا تشنه تر خواهد شد ... از طرفی

مدعیان اصلاح طلبی که بسیاری از آنها علاقه ای به دیانت ندارند، زیادند و در کمین احساسات نوو بلند نسل امروزند، اگر اسلام و روحانیت به حاجتها و خواسته ها و احساسات بلند این ملت پاسخ مثبت ندهد به سوی آن قبله های نوظهور متوجه خواهند شد. (۱۳۶۸: ۳۱۳)

- رونق بخشی و ارتقاء کیفی محتوای القایی در مجالس و منابر، جلسات وعظ و ارشاد، کلاسهای درس، خطابه های جمعه، آثار و منابع علمی، محصولات فرهنگی، برنامه های رسانه ای، ارتباطات عام و پرهیزکد از عوام گرایی و مرید بازی.

- تقویت زبان مفاهمه برای برقراری ارتباط عمیق و موثر با گروههای مختلف سنی بویژه نسل جوان و لزوم بازخوردگیری مستمر از میزان تاثیر بخشی پیام ها و شناخت آفات و آسیب های محتمل.

- پرهیز از تعصب ورزی شدید و غیر قابل توجیه: چنین موضعی خود زمینه طرد مخاطبان و جوانها را فراهم می سازد. به بیان برخی نویسندگان: کسانی که در مورد دین با نوجوانان و جوانان در ارتباطند، خود باید الگوی واقعی دین باشند و به آنچه می گویند عمل نمایند، ایمان و اعتقاد قوی به مذهب داشته باشند، بخصوص معلمین دینی باید از بین شخصیت های لایق و عالم انتخاب شوند و احاطه علمی کافی به آنچه که می باید گفته شود داشته باشند و اعمال خود را با اهداف مذهبی تطبیق دهند، توانایی پاسخ دادن به سوالات نوجوانان را داشته باشند و بتوانند خرافات را از نظریات صحیح دینی جدا کرده و به دانش آموزان ارائه دهند. از نظر اخلاقی، خود الگوی اخلاق باشند، با اخلاص، مهربان، انسان دوست، علاقمند به کار خود باشند، سعه صدر و وسعت نظر داشته باشند، بر نفس خود غالب باشند و از اعتدال در امور خارج نشوند، با حوصله، صبور و با تدبیر باشند و از نظر ظاهر نیز آراسته و مرتب باشند. (خدایاری فر، ۱۳۷۹: ۹۴)

- اصلاح نحوه برخورد برخی روحانیون با برخی نمادهای ملی و باستانی که تقابل مذهب و ملیت را در اذهان ایهام می کند؛ در مقابل توجه دادن آگاهانه نسل جوان به سرمایه های ملی و میراث فرهنگی در احیای روح خودباوری و خود اتکایی آنها به عنوان یکی از ضرورت های مهم فرهنگی و تربیتی، بسیار موثر خواهد بود.

- پرهیز اکید روحانیون، مبلغان و کارگزاران امور دینی جامعه از دنیاطلبی، تجمل‌گرایی و رفاه خواهی و زندگی غیر متناسب با زی و منش شناخته شده روحانیت. امام امت ره در فرازی از آخرین پیام حج خود می نویسد: من اکثر موفقیت های روحانیت و نفوذ آنان را در جوامع اسلامی در ارزش عملی و زهد آنان می دانم و امروز هم این ارزش نه تنها نباید به فراموشی سپرده شود که باید بیشتر از گذشته به آن پرداخت. هیچ چیز به زشتی دنیاگرایی روحانیت نیست و هیچ وسیله ای هم نمی تواند بدتر از دنیاگرایی، روحانیت را آلوده کند. (صحیفه نور، ج ۲۱: ۹۹)

- پرهیز از استفاده ابزاری از دین، مقدسات و توفیقات ناشی از انقلاب اسلامی در جهت منافع و مصالح شخصی و صنفی.

- برخورد قاطع با عناصر فرصت طلبی که با استفاده ابزاری از لباس و حرمت روحانیت، اغراض و مطامع خویش را تعقیب کرده و زمینه طرد و گریز نسل جوان را فراهم می سازند. به بیان حضرت امام ره «روحانیون وابسته ضررشان از هر فرد ناپاک دیگری بیشتر است و همیشه این دسته از روحانیون مورد لعن و نفرین خدا و رسول و مردم بوده اند و ضربات اصلی را به این انقلاب، روحانیان وابسته و مقدس مآب و دین فروش زده اند و می زنند و روحانیان متعهد ما همواره از این بی فرهنگها متنفر و گریزان بوده اند.» (صحیفه نور، ج ۲۱: ۹۷)

- تلاش برنامه ریزی شده در جهت خرافه زدایی و شست و شوی فرهنگ دینی جامعه از گرد و غبار بدعت ها و موهومات منافی با روح و حقیقت اسلام.

- در هر حال، انتظار معمول از روحانیت اصیل این است که در کنار خانواده، نهادهای مختلف و جامعه کل در جهت شکوفایی استعدادها، تقویت شایستگی ها و ارتقا توانایی ها و مهارتهای نسل جوان به مثابه سرمایه های عظیم انسانی که زمینه موفقیت آنها در عرصه های مختلف زندگی و مقابله با بحرانها و چالش های معمول را فراهم می سازد، گام بردارد. این توانایی ها و مهارتها، ابعاد مختلف جسمی، شناختی، عاطفی، اخلاقی، اجتماعی، فرهنگی، دینی، معنوی را در بر می گیرد. روحانیت به هر میزان که در تامین این سنخ مطالبات غالباً پنهان موفق شود، زمینه بیشتری برای جذب جوانان به سمت خود را فراهم می سازد. براساس تئوری نیازها: افراد به دیگران می پیوندند، چون آنها را دوست دارند و از مشارکت با آنها لذت می برند. ممکن است در پیوند جویی به دنبال بدست

همایش ملی مناسبات روحانیت و نسل جوان مهرماه ۱۳۸۸ (مجموعه مقالات علمی)، از صفحه ۱۲۹ تا ۱۶۱

آوردن تایید یا ایجاد یک هویتی که فقط در تعامل با دیگران رشد می کند ، باشند و یا ممکن است دیگران برای آنها پاداش دهنده باشند . خلاصه این که پیوند جویی به واسطه نیازها و امیال متنوعی برانگیخته می شود که هر کدام می توانند احتمال تعامل اجتماعی را افزایش دهند . (لطفی ، ۱۳۸۱):

۲۶۰) روحانیت همچنین باید به مثابه یک هادی امین و صادق با ارائه معیارهای شخصیت سالم و متعادل ، رشد خودباوری ، کنترل خواهش های نفسانی ، معنا و مفهوم زندگی ، الگوی زندگی متعالی ، دادن هویت ، ایجاد بینش و بصیرت ، معرفی شخصیت های الگویی ، ارائه شیوه های صحیح مناسبات انسانی ، توجه دادن به وظایف و مسوولیت های متقابل ، طرح انتظارات معقول ، نظم پذیری ، شیوه های درست دوست یابی ، راههای موجهه و کنار آمدن با مشکلات زندگی ، حل تضادهای درونی و بحرانهای هویتی و... جوان رانیز همچون سایر اقشار جامعه مورد حمایت مشفقانه خویش قرار دهد . کمک به عبور منطقی جوانان از احساسات خام مذهبی به بینش مذهبی تثبیت شده توام با تعقل و تفکر ، کمک به ایجاد ارتباط مناسب آنها با خودشان ، خدا ، دیگران ، جهان هستی و بهره گیری مناسب از این ارتباطات نیز بخشی دیگری از انتظارات معقول نسل جوان از روحانیت می باشد که باید در حد مقدور به ادای آن همت گماشت .

منابع

- اسولیوان ، تام و دیگران ، مفاهیم کلیدی ارتباطات ، ترجمه میر حسن رئیس زاده ، فصل نو ، ۱۳۸۵ .
- احمدی ، احمد ، روان شناسی نوجوانان و جوانان ، رودکی ، ۱۳۶۹ .
- اکبری ، ابوالقاسم ، مشکلات نوجوانی و جوانی ، نشرساوالان ، ۱۳۸۱ .
- امام خمینی ره ، صحیفه نور ، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره ، ج ۲۱ (پیام ۶۷/۴/۲۹)
- - بالس ، کریستوفر ، ذهنیت نسلی ، ترجمه : حسین پاینده ، ارغنون (فصلنامه فلسفی ، ادبی و فرهنگی) ، شماره ۱۹ ، زمستان ۱۳۸۰ .

- ترنر، جانان اچ ، مفاهیم و کاربردهای جامعه شناسی ، ترجمه : بختیاری و فولادی ، موسسه امام خمینی ره ، ۱۳۷۸.
- خدایاری فرد ، محمد ، مسائل نوجوانان و جوانان ، انتشارات سازمان انجمن اولیا و مربیان ، چاپ ششم ، ۱۳۷۹.
- در آینه نگاه رهبرمعظم انقلاب اسلامی ، برخورد شایسته با جوانان ، موسسه فرهنگی قدر ولایت ، ۱۳۸۰.
- رابرتسون ، یان ، در آمدی بر جامعه ، انتشارات آستان قدس رضوی ، چاپ سوم ، ۱۳۷۷.
- ذکایی ، محمد سعید ، فرهنگ مطالعات جوانان ، انتشارات آگاه ، ۱۳۸۶.
- شرفی ، محمد رضا ، جوان و نیوری چهارم زندگی ، سروش ، ۱۳۸۰.
- شرفی ، محمد رضا ، دنیای نوجوان ، انتشارات تربیت ، چاپ چهارم ، ۱۳۷۶.
- شفرز، برنهارد ، مبانی جامعه شناسی جوانان ، ترجمه : کرامت الله راسخ ، نشر نی ، ۱۳۸۳.
- فکوهی ، ناصر ، از فرهنگ تا توسعه ، انتشارات فردوس ، ۱۳۷۹.
- فکوهی ، ناصر ، انسان شناسی شهری ، نشرنی ، ۱۳۸۳.
- گاردنر ، ویلیام ، جنگ علیه خانواده ، برگردان و تلخیص : معصومه محمدی ، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان ، ۱۳۸۶.
- لطفی ، حمید ، روان شناسی اجتماعی / روان شناسی هم‌رنگی با جماعت ، نظریه ها و کاربردها ، ناشر مولف ، ۱۳۸۱.
- محسنیان راد ، مهدی ، ارتباط شناسی ، سروش ، چاپ ششم ، ۱۳۸۴.
- مظلومی ، رجبعلی ، گامی در مسیر تربیت اسلامی ، نشر آفاق ، ۱۳۶۴.
- مطهری ، مرتضی ، ده گفتار ، صدرا ، چاپ پنجم ، ۱۳۶۸.
- مطهری ، مرتضی ، پیرامون انقلاب اسلامی ، صدرا ، چاپ نهم ، ۱۳۷۲.
- نصر ، سید حسین ، جوان مسلمان و دنیای متجدد ، ترجمه : مرتضی اسعدی ، طرح نو ، ۱۳۷۳.
- وریچ کاظمی ، عباس ومهدی فرجی ، ، عرفی شدن و زندگی روزمره ، فصلنامه نامه علوم اجتماعی ، (علمی - پژوهشی) ، شماره پیاپی ۲۱ ، مهر ۱۳۸۲ [۲۶۹-۲۴۳]